

گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی دوره قاجاریه نراق

حمیدرضا جیحانی*، علی عمرانی‌پور**، فاطمه رجبی***، بابک عالمی****

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۷/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۸/۰۶/۲۳

چکیده

نراق از دوران قاجار تا دهه‌های اخیر زیستگاهی با سه محله بوده است که در میان باغ‌ها و کشتزارها قرار داشته‌اند. در کنار عناصری همچون بازار و مسجد و تکیه، خانه‌ها بخش مهمی از محلات را تشکیل می‌داده‌اند. زیرا هم کوچکترین واحد شکل‌دهنده زیستگاه محسوب می‌شوند و هم فرهنگ سکونت و خصوصیات زیست در آن منطقه را نمایش می‌دهند. سکونتگاه کهن نراق طی یک سده اخیر با آسیب‌ها و چالش‌های پرشماری روبرو شده است. علاوه بر این، خانه‌ها نیز به دلایل مختلف از جمله توسعه و همچنین ضعف ناشی از بهره‌گیری از فنون ساخت‌وساز روستایی و مصالح محلی همواره در معرض تخریب و دگرگونی بوده‌اند، آنچنان‌که بیم آن می‌رود که الگوهای بومی سکونت در نراق فراموش شوند. حفاظت از یک زیستگاه کهن علاوه بر مراقبت از اجزا و عناصری همچون بازار، نیازمند توجه عمیق به محلات و همچنین خانه به‌عنوان عنصر اصلی شکل‌دهنده محلات است. این توجه متضمن شناخت خصوصیات خانه و از جمله انواع و گونه‌هایی است که قابل شناسایی هستند. لذا این مقاله در پی پاسخ دادن به این پرسش اصلی است که گونه‌های معماری مسکونی در سکونتگاه نراق چه بوده و چه ویژگی‌هایی داشته‌اند؟ براین اساس مقاله به دنبال تعریف یک گونه‌شناسی از بخش عمده‌ای از خانه‌های نراق است که از دوره قاجار به بعد ساخته شده‌اند. روش تحقیق در این مقاله تفسیری تاریخی است و اطلاعات عمدتاً برپایه مطالعات میدانی و درحین برداشت و مستندسازی جمع‌آوری شده‌اند. در این راستا تمام خانه‌های تاریخی موجود در محلات که امکان تهیه نقشه معماری آن‌ها میسر بوده، برداشت شده و تجزیه و تحلیل نمونه‌ها برپایه مهم‌ترین فضاها و ترکیب آن‌ها در جهت شکل‌گیری اندام‌های اصلی خانه صورت گرفته است. براساس مطالعات انجام گرفته مبتنی بر نحوه ترکیب ریزفضاها در یک نظام کلی، سه گونه اصلی «رسمی» مشابه مساکن مناطق شهری، «بومی» مشابه مساکن روستایی منطقه و «بینابین» و پنج زیرگونه قابل شناسایی است. زیرگونه‌های «رسمی دارای حیاط مرکزی»، «رسمی خانه‌باغ» و «رسمی ترکیبی» زیر مجموعه گونه اصلی رسمی بوده و زیرگونه‌های «بومی منفرد» و «بومی اشتراکی» زیرمجموعه گونه بومی محسوب می‌شوند.

کلمات کلیدی: نراق، خانه‌های تاریخی، گونه‌شناسی، دوره قاجار.

*استادیار دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان، ایران. hjayhani@gmail.com

**استادیار دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان، ایران.

***کارشناسی ارشد مرمت بناها و بافت‌های تاریخی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، ایران.

****استادیار دانشکده معماری و هنر کاشان، ایران.

مقدمه

از دیرباز، دشت نراق پذیرای سکونت بوده و نشانه‌هایی از انواع سکونت همچون مزارع مسکون در آن قابل مشاهده است. علاوه بر دشت یادشده، شهرستان نراق که امروز حدود ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد، دربردارنده نمونه‌های ارزشمند معماری است. هسته اولیه نراق بنابر برخی شواهد در نیمه غربی و در محدوده محله پایین قرار داشته و محلات بالا و بازار در شرق و شمال شرق محله قدیمی‌تر، شکل گرفته‌اند. توسعه روستایی این هسته هنوز هم قابل شناسایی است و به‌ویژه در خانه‌های آن محدوده مشاهده می‌شود. خانه عمده‌ترین واحد تشکیل‌دهنده هر محله است و خانه‌ها تعیین‌کننده شکل و فضای حاکم بر محله هستند. لذا خانه‌ها بخشی مهم از یک سکونتگاه بوده و شناخت آن‌ها علاوه بر این‌که ما را با خصوصیات معماری و شیوه‌های سکونت یک منطقه آشنا می‌کند، امکان درک بهتری از سکونتگاه دربردارنده خانه‌ها را نیز فراهم می‌آورد. در حال حاضر خانه‌های نراق بیش از خود آن در معرض تخریب و نابودی‌اند. علت را علاوه بر مشکلات ناشی از توسعه و مهاجرت، باید در فنون ساخت‌وساز روستایی و مصالح محلی که به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته‌اند، جستجو کرد. نابودی این خانه‌ها، از بین رفتن الگوهای سکونت و فرهنگ مبتنی بر آن را در پی خواهد داشت. بر این اساس، هدف این مقاله که در قالب یک مطالعه گونه‌شناختی انجام می‌گیرد، شناسایی مهم‌ترین نمونه‌ها و گونه‌های خانه در نراق است.

در لغت‌نامه وبستر کلمه *typology* به‌معنای گونه‌شناسی، مطالعه یا تجزیه و تحلیل یا طبقه‌بندی براساس انواع و یا دسته‌بندی تعریف شده است (Merriam Webster, 2007: 1355). در عین حال

گونه‌شناسی که به‌معنی طبقه‌بندی مجموعه‌ای از ساخته‌ها یا اشیا است، بنا بر روش، می‌تواند براساس خصوصیات کیفی یا کمی انجام پذیرد. این مطالعه محدود به خصوصیات کیفی و به‌طور مشخص دسته‌بندی‌های ریخت‌شناختی است و جایگاه ریزفضاهای خانه را براساس نقش آن‌ها در ریخت کلی خانه بررسی خواهد کرد.

علاوه بر هدف اصلی، این مقاله به‌دنبال مطالعه و بررسی الگوهای کالبدی فضایی خانه‌های تاریخی و بومی نراق نیز هست تا براساس آن بتوان از واحدهای مسکونی اصیل در مداخلات ناشی از توسعه حفاظت کرد و همچنین امکان ادامه خانه‌سازی براساس الگوهای محلی را میسر نمود. زیرا به‌نظر می‌رسد که شناخت گونه‌های مسکونی در دستیابی به الگوهای ساخت خانه در آینده و به‌گونه‌ای که در راستای اهداف حفظ اصالت و هویت منطقه باشد، ضروری است.

روش تحقیق بکار گرفته شده تفسیری تاریخی است و مقاله بر مطالعات میدانی و برداشت نمونه‌ها و تجزیه و تحلیل و تفسیر آن‌ها براساس ریزفضاها و اندام‌های اصلی خانه تعریف شده و تلاش دارد امکان ترکیب فضاهای مهم با یکدیگر و نقش آن‌ها در شکل‌گیری یک گونه خاص از مسکن را روشن کند. مقصود از ریزفضا، هر فضایی از خانه همچون اتاق و شاه‌نشین و راهرو است و مقصود از اندام، ترکیبی از ریزفضاها است که جبهه خاصی از خانه و یا بخشی مشخص از آن را شکل می‌دهند.

پرسش‌های تحقیق

۱. اجزا و عناصر اصلی خانه‌های تاریخی در نراق چه هستند؟
۲. واحدهای مسکونی در شهر نراق چه گونه‌هایی را شامل می‌شود و هرگونه چه ویژگی‌هایی دارد؟

هرچند پژوهشی در مورد خانه در نراق به انجام نرسیده است، اما مطالعات گونه‌شناسی مسبق به‌سابقه است. از جمله نمونه‌ها، مطالعه گونه‌شناختی بر روی مساجد تاریخی است که با تکیه بر مشخصاتی از جمله موقعیت، اندام‌های درونی و فضاها صورت گرفته است (خادم زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۷-۱۱۲). در پژوهشی دیگر مشخصات کلی سکونت در رشت همانند عرصه‌بندی، همسایگی، جهت‌گیری و تناسبات و چگونگی تطبیق معماری با اقلیم و عناصر کالبدی خانه‌ها بررسی شده و در نهایت با توجه به ویژگی‌های مشابه و تفاوت‌های به‌دست‌آمده، گونه‌های مسکونی تحلیل شده است (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۹). در نمونه‌ای دیگر، ارتباط معماری با بستر طبیعی و مشاغل روستاها مطالعه شده و عناصر معماری خانه‌های روستایی بر مبنای حوزه جغرافیایی دسته‌بندی شده‌اند (سرتیپی پور، ۱۳۸۶: ۵). در پژوهشی دیگر با تمرکز بر خانه‌های روستایی تالش، به گونه‌شناسی معماری در شمال کشور پرداخته شده است (حسن پور لمر، ۱۳۹۲: ۱۱۷). همچنین مطالعه بر روی خانه‌های تالاردار تفت (معماریان و دهقانی تفتی، ۱۳۹۶: ۲۱) و معماری دستکند نائین (آزاد و سلطانی محمدی و بلوری بناب، ۱۳۹۴: ۹۳) با هدف گونه‌شناسی به انجام رسیده است.

هسته اولیه و توسعه ثانوی نراق

نراق سکونتگاهی است که در راستای شرق غربی در فلات مرکزی ایران و در زیرحوضه دشت دلیجان قرار دارد که خود به حوضه آبریز حوض سلطان منتهی می‌شود.^۱ این سکونتگاه کهن که حاصل توسعه‌هسته‌های اولیه روستایی است در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده و تنها در سوی غربی آن کوه وجود ندارد و متصل به دشت دلیجان است. کوه‌های آل، ولیجیا، کاه و گندم و

زرد بلند در شمال، شرق، جنوب و جنوب شرق آن واقع شده‌اند (جوادی، ۱۳۷۷: ۳۹).^۲ نراق بر سطحی مسطح‌تر از اراضی پیرامون مستقر شده است که از جنوب با مجموعه‌ای از اراضی به دامنه کوه دره سیاه محدود می‌شود و از سوی شمالی تا لبه تراسه بزرگ و کشیده‌ای به موازات رودخانه امتداد یافته است. بنابر بررسی‌های باستان‌شناختی، سابقه تاریخی بخش‌هایی از نراق به سده‌های ۶ تا ۹ ه.ق باز می‌گردد (فضلی، ۱۳۸۹)، هرچند قدمت سکونت در دشت نراق بسیار قدیمی‌تر است. در کهن‌ترین متن به‌سال ۳۷۸ ه.ق، حسن قمی در ذیل رستاق‌های قم از قلعه‌ای با نام ابل در بر کوهی به نام بل در قرب نراق نام می‌برد (قمی، ۱۳۶۱: ۷۲-۷۳). پیشینه منطقه در سده‌های نخست بعد از اسلام از اهمیت برخوردار است، زیرا ممکن است اشاره‌ای به‌سوابق پیش از دوران اسلامی منطقه نیز باشد. در همین راستا اشاره به آثاری در قلعه دزدان و قلعه ساروق در مرآةالقاسان (کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸: ۱۲۳) شایسته توجه است. بررسی عکس هوایی سال ۱۳۴۵ نشان می‌دهد که بافت دربردارنده یک هسته ریزدانه در میانه غربی تا منتهی‌الیه غربی نراق است و یک بافت درشت‌دانه نیز در آن قابل مشاهده است که به سمت شرق پیش رفته است. به‌نظر می‌رسد کانون هسته یادشده، میدانچه مجاور مسجد پایین یا محله پایین است که از دوران صفوی قدمت دارد.^۳ در سال ۱۳۸۸ در قسمت‌های مختلف بافت تاریخی، ۹ گمانه حفر گردیده است. از میان آن‌ها تنها گمانه دارای آثار باستانی، با محدوده مسجد پایین ارتباط دارد و شامل سفال‌های لعابدار سده ۶ تا ۹ ه.ق، قطعات آجر شکسته و یک ساختار پی سنگی می‌شود (فضلی، ۱۳۸۹). جدای از یافته‌های مبتنی بر گمانه‌های باستان‌شناختی، از نظر شکل و بافت نیز هسته اولیه می‌بایست همان محدوده

پیرامون مسجد پایین باشد. محدوده‌ای که بر یک مرکز استقرار کهن تعریف شده است، مهم‌ترین معابر به آن راه دارند و بافت فیزیکی در آنجا طوری است که نشان از شکل‌گیری ارگانیک دارد. درعین حال این‌که هسته مورد نظر در غربی‌ترین بخش محدوده تاریخی نراق قرار دارد و توسعه ثانوی یکسره به‌سوی شرق بوده و همچنین قرارگیری انبوهی از اراضی زراعی در محدوده بلافصل غربی هسته یادشده، نشان از آن دارد که محدوده مسجد پایین احتمالاً مرکز یک سکونتگاه ابتدایی و کوچک و یا چنانکه در منطقه معمول است، یک مزرعه تاریخی بوده باشد.

به هر حال هسته اولیه می‌بایست نخستین بخش بستری دانسته شود که به تدریج به نراق تغییر شکل داده است. این هسته در طول زمان رشد کرده و علاوه بر اراضی زراعی سمت غرب خود، بخش وسیعی از اراضی واقع در شرق را نیز به محدوده‌های زراعی افزوده است. این موضوع با افزایش جمعیت و رشد و توسعه کشاورزی هماهنگی دارد. اما پیش از این، اهمیت یافتن موقعیت تجاری نراق باعث شده است که بخشی از توسعه آن به جانب راه تاریخی کاشان به دلجان در شمال شرقی هسته اولیه نراق گسترش یابد. شکل بافت منطقه مسکونی پیرامون بازار و به‌خصوص جنوب آن و شباهت دانه‌ها با هسته اولیه آشکار می‌کند که هسته نخستین، دو توسعه متفاوت را از سر گذرانده است. نخست به‌سوی شمال شرق و شکل‌گیری هسته دیگری، که به بازار منطقه‌ای نراق تبدیل شده است و دیگری، رشد به‌سوی شرق که در ابتدا مختص گسترش اراضی زراعی بوده و سپس اراضی یادشده به محدوده‌های مسکونی تغییر یافته‌اند. براین اساس، علاوه بر محله پایین که همان محدوده پیرامون مسجد پایین است، دو محدوده شهری دیگر هم در نراق شکل گرفته است: محله‌های

بازار و بالا در شمال شرق و شرق محله پایین.

ساختار کالبدی فضایی نراق

در طول تاریخ شکل‌گیری از هسته اولیه تا کنون، نراق و معماری حاکم بر آن ویژگی‌های متفاوتی داشته‌اند، به‌طوری که تأثیر آن بر الگوی معماری و شکل زیستگاه قابل مشاهده است؛ ابتدا یک هسته فشرده و متراکم در نیمه غربی و پیرامون مسجد پایین (مسجد امام حسن) شکل گرفته و در ادامه از اواخر صفویه و بیشتر در دوره قاجار و در پی تغییر موقعیت تجاری نراق، نیمه غربی با تراکم کمتر و الگویی متفاوت ساخته شده است. در نتیجه توسعه تجاری و بازار، سکونت نیز در نراق رشد کرده و بافت فیزیکی به سمت شرق گسترش یافته است. در این دوره بر روی اراضی کشاورزی و با همان ساختار تقسیم بندی زمین، توسعه نراق رخ داده و خانه‌های مسکونی جدید درون مزارع و باغ‌ها ساخته شده‌اند. محله بالا یا علیا در امتداد شرقی هسته اولیه ساخته شده و بناهای عمومی همانند مسجد، حسینیه، آب‌انبار و گرمابه در مرکز آن واقع شده است. محله‌های بالا و پایین از طریق یک گذر به هم مرتبط هستند و امتداد این گذر تا شرقی‌ترین بخش شهرنراق پیش می‌رود. محله شنگولی‌ها، ملاکویی‌ها و رئوفی که سه نمونه از زیرمحله‌های محله بالا هستند، محل سکونت تجار و طبقه مرفه بوده و خانه‌های تاریخی زیادی از دوره قاجار در این محدوده باقی مانده است که حاکی از طبقه اجتماعی ساکنان آن است.

در زمان توسعه به سوی شرق و شکل‌گیری محله بالا، نراق به سمت شمال نیز رشد اندکی داشته و تا حدود رودخانه پیش رفته است. درنهایت، محله بازار در شمال دو محله بالا و پایین و در امتداد راسته بازار گسترش یافته است. این محله از طریق سه گذر و معبر شمالی جنوبی به دو محله بالا و پایین مرتبط می‌شود. محله

محل‌ها نظام اجتماعی متفاوتی دارند. پیش بینی می‌شود که تنوع نظام اجتماعی سبب شده هر محل‌ه‌الگو یا الگوهای معماری متفاوتی داشته باشد. لازم به ذکر است که از میان خانه‌های تاریخی نراق، تنها یک خانه در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است^۴ و پیش از این برای هیچ کدام از خانه‌های تاریخی به جز ۲ مورد نقشه معماری تهیه نشده بود. در این تحقیق تمام خانه‌های تاریخی واجد ارزش که امکان دسترسی به آن‌ها وجود داشت، برداشت شده و نقشه‌های آن‌ها تهیه و ترسیم شدند (تصویر شماره ۱). در مجموع نقشه ۲۰ خانه برای پژوهش بر روی سازمان کالبدی فضایی معماری نراق و گونه‌شناسی خانه‌ها انتخاب و مطالعه شدند.

نمونه‌های مطالعاتی از محل‌ه پایین

محل‌ه پایین بافتی با دانه‌بندی ریز دارد و مرکز آن محدوده‌ای شامل مسجد پایین (مسجد امام حسن) و دو میدانچه به نام‌های عصارخانه و نخل است. این محل‌ه پیش از توسعه بازار و بهبود جایگاه نراق در منطقه و شکل‌گیری محلاتی برای سکونت تجار، هسته اولیه و محدوده اصلی سکونت در نراق محسوب می‌شده است. الگوی معماری حاکم بر محل‌ه پایین، شیوه ساخت در یک دوره تاریخی کهن از نراق را نمایان می‌کند که عمدتاً مبتنی بر فنون ساخت‌وساز و مصالح روستایی است. در محل‌ه پایین کنارهم قرارگیری خانه‌ها و همچنین طرح‌مایه‌های معماری بکارگرفته‌شده در نمای رو به معابر و تراس‌ها، ترکیب ویژه‌ای دارند. این ترکیب سبب شده تا گذرها و معابر صورتی متفاوت از سایر گذرهای محدوده تاریخی نراق داشته باشند. در این محدوده، قرابت و انطباق معماری و بستر طبیعی نراق در حین گذر از معابر قابل مشاهده است. بر همین اساس، خانه‌های این بخش وابستگی زیادی به زمینه

بازار همانند سایر محل‌ه‌های نراق چند زیرمحل‌ه با نام‌های شاطری‌ها، شربتی‌ها و دنیاران دارد. زیرمحل‌ه‌ها بیشتر براساس سنت‌های اجتماعی، فرهنگی و ویژگی‌های بستر طبیعی از هم تفکیک می‌شده‌اند. محل‌ه دنیاران در شمال بازار واقع شده و از طریق گذری پلکانی به رودخانه منتهی می‌شود. در این محل‌ه تجار و طبقه جدید سکونت داشتند. محل‌ه شاطری‌ها در امتداد غربی بازار و در نزدیکی آسیاب‌های نراق و محل‌ه شربتی‌ها در جنوب غربی بازار و مجاور کاروانسرای حاج مهدی قرار دارند.

بازشناسی نمونه‌های مطالعاتی

معماری بومی نشان‌دهنده خلاقیت جمعی مردم یک منطقه در طول تاریخ است و تداوم آن منجر به شکل‌گیری گونه-الگو و گسست در آن سبب تغییر و گاهی آشفتگی می‌شود (معماریان، ۱۳۹۳: ۷۸). از این رو گونه‌ها را می‌توان راه‌حل‌هایی محلی برای پاسخ‌گویی به نیازها دانست. گونه‌ها می‌توانند نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی و همچنین بستری دانسته شوند که در آن شکل می‌گیرند. این موضوع در تصویر هوایی سال ۱۳۴۵ نراق و از طریق توجه به تغییر دانه‌بندی‌ها در دو سوی شرقی و غربی آن دیده می‌شود. این موضوع احتمالاً نتیجه ویژگی‌های اجتماعی محلات و همچنین شکل بستری است که به محلات تبدیل شده است. مقصود زمین‌هایی است که در توسعه نراق به سوی شرق ابتدا به اراضی زراعی و باغ‌ها و سپس به خانه‌ها تبدیل شده‌اند.

در این تحقیق دسته‌بندی‌های اولیه بر مبنای واحدهای شناسایی و مطالعه‌شده در هرکدام از محلات مسکونی انجام گرفته است. شهرستان نراق از سه محل‌ه اصلی تشکیل شده و مطالعات میدانی، گفتگو با اهالی و آشنایی با عادات و رسوم هر ناحیه، نشان می‌دهد که

دارند. با توجه به اقلیم سرد شهر نراق، تراکم بالایی خانه‌ها در محله پایین و ابعاد کوچک ریزفضاها می‌تواند پاسخی به این ویژگی اقلیمی باشد. علاوه بر ترکیب متراکم اتاق‌های یک خانه، این ویژگی در مجموعه خانه‌ها نیز در محله پایین وجود دارد. از آنجا که آفتاب‌گیری خانه در فصل سرد موضوع مهمی برای آسایش حرارتی در این اقلیم است، تراس‌های کم عمقی در راستای اتاق‌های رو به جنوب در این خانه‌ها تعبیه شده است.



ت ۱. موقعیت نمونه‌های مطالعاتی در محدوده مطالعه و موقعیت محله پایین به‌عنوان هسته قدیمی نراق.

در میان خانه‌هایی که در محله پایین برای مطالعه انتخاب و برداشت شده‌اند، خانه‌های کوچکی قابل مشاهده است که از ترکیب دو تا سه اتاق در طبقه پایین و یک یا چند اتاق به‌همراه تراس در طبقه بالا ساخته شده‌اند. اتاق‌ها معمولاً به‌هم مرتبط بوده و همگی در ارتباط مستقیم با حیاط هستند. تمامی اتاق‌ها پوشش اتاق و تویزه دارند و اتاق آن‌ها از نوع کجاوه است. یکی

از اجزای مهم این خانه‌ها، تراس است و در طبقه دوم تمام خانه‌ها به‌واسطه فضای نیمه‌باز تراس، دید به کوه آل در شمال یا مجموعه کوه‌های سمت جنوب میسر است. خانه‌های عباس حسین آقاجعفر، محمود آهنگر، حاج کریم جعفری و مرادی از جمله خانه‌های این محله هستند که برپایه ترکیب بسیار ساده اتاق و حیاط شکل گرفته‌اند. این خانه‌ها مالکیت واحد داشته و یک خانواده در هرکدام از آن‌ها زندگی می‌کرده است (تصویر شماره ۲). طی برداشت خانه‌های محله پایین، نوعی خانه با ابعاد بزرگتر از خانه‌های دیگر نیز قابل مشاهده است. خانه تقی گیدی، خانه آعلی و خانه حاج عبدالکریم احمدی سه‌نمونه از این خانه‌ها هستند که مفصل‌تر از سایر خانه‌های محله پایین بوده و در عین حال مالکیت اشتراکی ندارند. شکل‌گیری و سازمان کالبدی فضایی بعضی از محدوده‌های مسکونی در نراق، به‌طور مستقیم تحت تأثیر نظام اجتماعی خاصی است که در محله پایین حاکم است. این خانه‌ها از ترکیب واحدهای کوچک و مستقل پیرامون یک فضای باز ایجاد شده‌اند. این فضای باز معمولاً در ادامه گذر یا معبر بوده و یک فضای نیمه‌خصوصی محسوب می‌شود، اما از نظر عملکردی در انحصار خانواده‌های ساکن پیرامون آن است. این نمونه‌های مسکونی، ترکیبی از اتاق‌های کوچک هستند که معمولاً در یک تا دو طبقه سازماندهی شده‌اند. همچنین الگوی پنجره‌های مربع چوبی در دو سوی بازشوها، در تعدادی از اتاق‌ها تکرار شده است. ساخت مایه اصلی این خانه‌ها، خشت، گل و سنگ بوده و از نظر سازه‌ای پوشش اتاق‌ها تاق کجاوه و تویزه بوده است. در طبقات، گاهی تیرهای چوبی برای پوشش تخت بکارگرفته شده و امتداد تیرهای چوبی در طبقات بالا برای ایجاد تراس‌ها و ایوان‌های کم‌عمق استفاده می‌شده است در برخی از این نمونه‌ها

نمونه از این خانه‌ها که می‌توان آن را خانه محله نامید، مجموعه خانه‌های واقع در جنوب بازار است و یک نمونه دیگر که متعلق به یک خانواده بوده، در نیمه شرقی گذر بازار قرار دارد.

یک خانواده بزرگ زندگی می‌کردند و یا همه ساکنین با هم نسبت فامیلی داشته‌اند. اما در برخی نیز افراد ساکن در آن‌ها نسبت فامیلی نداشته و الزاماً خانه متعلق به یک خانواده نبوده و مالکیت اشتراکی داشته است. یک



ت ۲. هشت نمونه از پلان طبقه اول و دوم خانه‌های برداشت شده از محله پایین.

نمونه‌های مطالعاتی از محله بالا

متفاوت با زمینه و مشابه با شهرهای بزرگ مجاور شکل گرفته است. این خانه‌ها برپایه حیاط سازماندهی شده و برترکیب یک تا سه ضلع پیرامون یک حیاط شکل گرفته‌اند. تمام خانه‌های محله بالا، حداقل دارای یک شاه‌نشین در یکی از اضلاع هستند و سایر اتاق‌ها در همان جبهه به فاصله عرض یک راهرو در طرفین شاه‌نشین یادشده واقع شده‌اند. ارتباط با منظر کوهستان از طریق پنجره‌های کوچک بیرونی یا بازشوهای رو به حیاط بوده و موضوع حضور نور و بهره‌مندی از آفتاب زمستان نیز از این طریق مورد توجه واقع شده است. مقابل شاه‌نشین گاه یک ایوان با یک یا دو ستون چوبی یا سنگی نیز وجود دارد. به‌واسطه امکان‌پذیر کردن بهره‌گیری از منظر طبیعی پیرامون نراق، تمام خانه‌ها حداقل در یک ضلع، دو طبقه هستند. خانه‌های قاسمی، محمدیوسف‌خان، رئوفی، اردهالی‌ها، غفاری، نائب حسین‌خان، حاج ابوالحسن‌خان، رضاخان و احمدخان امینیان و ملاعلی فروغی از جمله خانه‌های باقی‌مانده در این محله هستند (تصویر شماره ۳). بعضی از آن‌ها همانند

محدوده محله بالا از ابتدای مسجد جامع و انتهای شرقی گذر محله پایین آغاز می‌شود و به سمت شرق امتداد می‌یابد. در این محدوده حضور بازشوهای کوچک خانه‌ها در معابر و گذرها کم‌رنگ شده و سازمان فضایی معابر نسبت به محله پایین تغییر می‌کند. زیستگاه و رونق تجاری بازار، اقبال جدیدی همانند تجار و ملاکین با بهره‌گیری از الگوی معماری متفاوت از الگوی بومی، در این بخش ساکن شده و خانه‌ها به تبعیت از معماری مناطق اطراف و از جمله کاشان ساخته شده‌اند. تعداد خانه‌های تاریخی باقی‌مانده در محله بالا بیشتر و دانه‌بندی آن‌ها درشت‌تر از خانه‌های محله پایین است. علت تعداد بیشتر آن‌ها احتمالاً باید در نتیجه فنون ساخت بهتر و همچنین مراقبت نسبی از نمونه‌های مهم‌تر الگوهای مسکونی در منطقه باشد. بنابراین با در نظر گرفتن سیر زمانی توسعه شهر و معماری مربوط به آن، بعد از الگوهای بومی که از گذشته تنها روش خانه‌سازی در نراق بوده، در دوره قاجار با الگویی

خانه قاسمی و ملاغلامرضا به دلیل تعریض گذر محله بالا، یک ضلع خود را از دست داده‌اند و تغییری در آن‌ها بوجود آمده است.

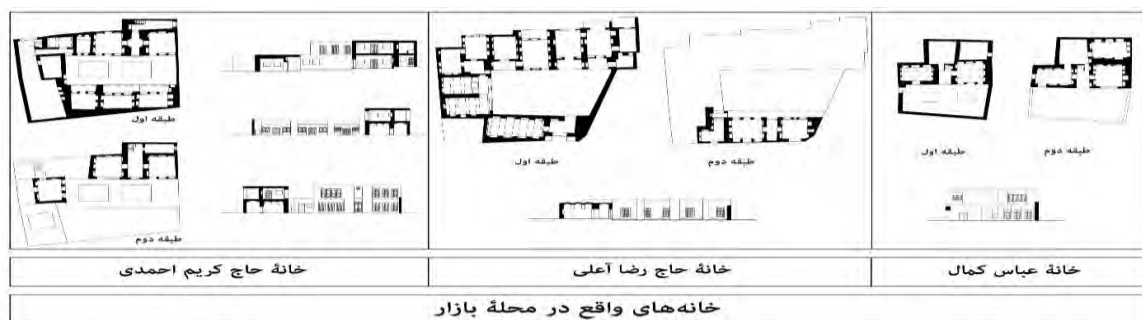
نمونه‌های مطالعاتی از محله بازار

محله بازار در بخش شمالی شهرنراق شامل محدوده‌ای میان رودخانه از یک سو و مرز شمالی محلات بالا و پایین از سوی دیگر است که حول گذر بازار شکل گرفته و مرکز آن، مجموعه بازار تاریخی بوده است. ساختار اجتماعی در محله بازار متفاوت از محله بالا و پایین است و کارکرد تمام اجزای آن تحت تأثیر بازار و وابسته به آن بوده است. یکپارچگی محله بازار در دهه ۱۳۵۰ به واسطه احداث خیابان آسیب دیده است. در تصویر هوایی سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۴، بخش تخریب شده محله بازار قابل تشخیص است. این مسئله، مطالعه بر روی الگوی معماری خانه‌های محله بازار را با مشکل مواجه می‌کند، زیرا بسیاری از خانه‌ها تخریب شده و خانه‌های باقی‌مانده مقدار زیادی از عناصر معماری خود را از دست داده‌اند. همچنین

ساخت‌وساز در جداره‌های خیابان طی دهه‌های گذشته سبب شده تا تخریب لایه تاریخی گسترش یابد. برداشت نقشه معماری این خانه‌ها به جز خانه حاج‌رضا آعلی و خانه عباس کمال (تصویر شماره ۴)، به دلیل تخریب بالا و عدم دسترسی امکان‌پذیر نبوده است. نکته حائز اهمیت در این محله، تأثیر شیب زمین و توپوگرافی آن بر خانه‌ها است، به‌ویژه در نیمی از محله واقع در شمال خیابان که الگوی پلکانی قابل مشاهده است. به‌عنوان نمونه در خانه آعلی این الگو به خوبی حفظ شده است. تأثیر شیب بر سازمان کالبدی فضایی سبب شده است تا خانه‌ها در دو تا سه سطح شکل بگیرند و بخش‌های آن اختلاف سطح داشته باشند. این روش یادآور تراسه‌ها و نظام طبقه‌بندی و پلکانی زمین در اراضی کشاورزی است. بنابراین اختلاف سطح بین بخش‌های خانه منجر به شکل‌گیری تراس‌ها، ایوان‌ها و بازشوهایی گشوده به سمت کوه‌آل و مناظر طبیعی شمال شهر نراق شده است.



ت ۳. ۹ نمونه از خانه‌های اعیانی متعلق به تجار و ملاکین واقع در محله بالا (نیمه شرقی نراق)



ت ۴. سه نمونه از خانه‌های تاریخی واقع در محله بازار.

بازشناسی ریزفضاهای خانه‌های نراق

شکل‌گیری خانه با کنارهم قرارگیری ریزفضاها و شکل‌گیری اندام‌های فضایی همچون جبهه‌های پیرامون حیاط یا بخش‌های دارای شکلی مشخص تحقق می‌یابد. یک رابطه متقابل بین این اندام‌ها و ریزفضاها وجود دارد. به این معنی که ریزفضاها اندام‌های کلی را می‌سازند و اندام‌های کلی با ریزفضاها شخصیت می‌یابد (معماریان، ۱۳۹۳: ۱۶۴). در نمونه شهر نراق،

تمام خانه‌ها در محلات سه‌گانه حیاط دارند و فضاهای بسته پیرامون آن سازماندهی شده‌اند و تفاوت در الگوی خانه‌ها به نوع ترکیب ریزفضاها و ویژگی آن‌ها در هر نوع از الگوی سکونت در نراق بازمی‌گردد. برداشت و تهیه نقشه‌های دقیق خانه‌های نراق ترکیبی از ریزفضاهایی چون حیاط، شاه‌نشین، اتاق، ایوان، راهرو، آشپزخانه، ورودی و باربند و طویله را نشان می‌دهد (جدول شماره ۱).

ریزفضا	تعریف
الف حیاط (فضای باز)	حیاط‌های محله پایین
	حیاط‌های محله بالا
	حیاط‌های اشتراکی
ب شاه‌نشین	شاه‌نشین متصل به حیاط
	شاه‌نشین متصل به ایوان
پ اتاق	فضاهای چهارگوشی هستند که در ترکیب با شاه‌نشین یا در ترکیب با چند اتاق دیگر، خانه را شکل می‌دهند.
ت ایوان	ایوان ستون‌دار
	ایوان بدون ستون
ث راهرو	راهرو بین اتاق و شاه‌نشین
	راهرو بین دو اتاق

ج ۱. تعریف و ویژگی ریزفضاها در خانه‌های تاریخی شهر نراق.

گونه‌شناسی کالبدی فضایی بر مبنای ترکیب فضاها

در معماری منطقه نراق مانند معماری نواحی دیگر ایران، ریزفضاهایی همچون اتاق و تالار و ایوان و راهرو دربردارنده بخشی از خصوصیات کلی بنا بوده و در ارتباط با یکدیگر و همچنین در ترکیب با فضاهای

باز پیرامون از جمله حیاط، شکل کلی و شخصیت خانه را بازنمایی می‌کنند. از این رو مبنای مطالعه گونه‌شناسی در این مقاله بر نقش دو گروه از فضاهای خانه استوار شده است. نخست، ریزفضاها و نقشی که در ترکیب سایر عناصر دارا هستند و دیگری، فضاهای باز و

جایگاهی که از آن برخوردارند. در عین حال باید در نظر داشت که توجه به ریزفضاها بدون دقت کافی به نقش فراگیر آن‌ها در ساخت بخش‌ها و اندام‌های اصلی کافی نیست و راه به جایی نمی‌برد. زیرا ریزفضاها در یک نظام کلی معنا می‌یابند و آن زمانی است که کنار هم سازماندهی می‌شوند. عوامل تأثیرگذار بر سکونت همانند اقلیم و هرآنچه که وابسته به بستر است، در جایگذاری یا گنجاندن ریزفضاها در یک نظام هم‌جواری مشخص مؤثر است. همچنین تک‌فضاها براساس سلسله‌مراتب کارکردی‌شان در رابطه با سایر عوامل مؤثر بر معماری همانند اقلیم و فرهنگ، در یک نظام هندسی نظم می‌یابند. برای مثال اتاق ارسی یا شاه‌نشن در مرکز یک ضلع خانه قرار می‌گیرد و محوری قوی می‌سازد، یا تکرار اتاق‌ها در اضلاع دیگر، در یک نظام محوری سازماندهی می‌شود. این نظام محوری تأثیر زیادی بر شکل کلی می‌گذارد (معماریان، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

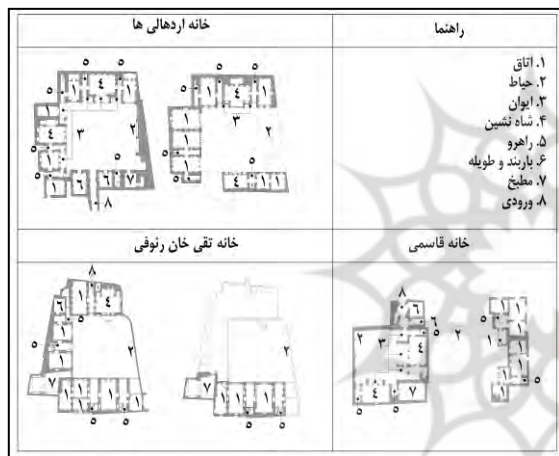
لذا باید خاطر نشان شود که مبنای اصلی گونه‌شناسی در این مقاله بر شناخت دقیق سه موضوع ریزفضاهای اصلی، نحوه کنارهم قرارگیری آن‌ها و همچنین تأثیری که بر سازمان فضایی محدوده پیرامونشان می‌گذارند، استوار شده است.

براین اساس در این مقاله، ریزفضاها، ترکیب‌های ناشی از آن‌ها در شکل‌گیری اندام‌های اصلی خانه و چگونگی قرارگیری ریزفضاهای نمونه‌های مطالعاتی در یک طرح کلی بررسی و شناسایی شدند تا هم نقش آن‌ها و هم نحوه ترکیبشان بازشناسی شود. از مجموع بیست خانه مطالعه‌شده، برای هر نوع ترکیب‌بندی، سه نمونه بصورت دقیق‌تر تجزیه و تحلیل شده که در قالب تصاویر شماره ۵، ۶ و ۷ قابل مشاهده است.

در پی بازشناسی الگوی سکونت در خانه‌های نراق بر مبنای محلات سه‌گانه، ترکیب ریزفضاها و انواع

نظام‌های هم‌جواری در هر محله بررسی شده است. در محله پایین، اساس خانه‌ها بر رابطه اتاق-حیاط سازماندهی شده است. تفاوت در اتاق‌ها و ابعاد آن‌ها و همچنین تنوع شکلی موجود در حیاط خانه‌های محله پایین سبب شکل‌گیری سه ترکیب‌بندی متفاوت در یک محله شده است. در تمام خانه‌های محله پایین، اتاق‌ها بدون واسطه در کنار هم قرار گرفته‌اند و ارتباط اتاق‌ها با حیاط گاهی به صورت مستقیم و بدون یک عنصر واسطه است و گاهی ایوان به‌عنوان یک فضای میانی در ضلع رو به حیاط ساخته شده است (تصویر شماره ۵). در خانه‌های کوچک با مالکیت واحد، اتاق‌ها تناسب و الگوی چینش یکسانی دارند اما نوعی دیگر از خانه در محله پایین و محله بازار و در حوزه خانه‌های بومی قرار دارد که در مقیاس متفاوتی نسبت به خانه‌های کوچک ساخته شده یا شکل گرفته‌اند. این خانه‌ها در حالی که متناسب با نوع اعیانی واقع در محله بالا نیستند، اما از نوع بومی در محله پایین نیز مفصل‌تر به نظر می‌رسند. اتاق‌ها در این خانه‌ها در دو مقیاس ساخته شده‌اند. در وسط یک یا دو ضلع از خانه، اتاق‌هایی با ابعاد بزرگ‌تر قرار دارند و از نظر عملکردی شبیه به شاه‌نشین هستند هرچند از حیث شکلی و نوع فضا باید اتاق محسوب شوند و نه شاه‌نشین. اتاق‌های دیگر پیرامون اتاق بزرگ میانی، بدون واسطه و رو به حیاط شکل گرفته‌اند. در نمای رو به حیاط دو طرح‌مایه معماری غالب در محله پایین، یکی درهای دولنگه چوبی و دیگری ترکیب دو پنجره چوبی در دو سوی یک در دو لنگه چوبی به تناوب تکرار شده است. ترکیب فضاها از طریق تراس‌های کشیده و وجود ساختار محوری در جانمایی ریزفضاها سبب شده است تا در میان خانه‌های محله‌های پایین و بازار یک گونه میانی شکل بگیرد،

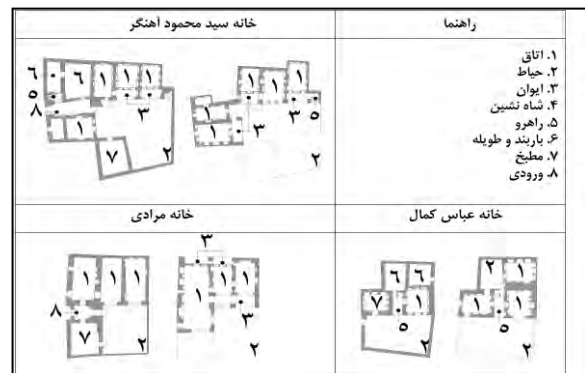
(سه طرفه) پیروی می‌کنند. به این معنا که خانه سه جبهه پیرامون حیاط دارد. حیاط در این نوع خانه‌ها دربردارنده باغچه‌های کوچکی است که تعداد محدودی درخت و انواع گل در آن کاشته شده و سطح آن با سنگ یا آجر فرش شده است. این نوع خانه‌ها همگی دست‌کم در یک جبهه خود شاه‌نشینی دارند که با دو راهرو جنبی به دو اتاق دیگر در همان جبهه ارتباط دارد. اساس شاه‌نشینی- حیاط و شاه‌نشین- راهرو- اتاق تعریف شده است (تصویر شماره ۷).



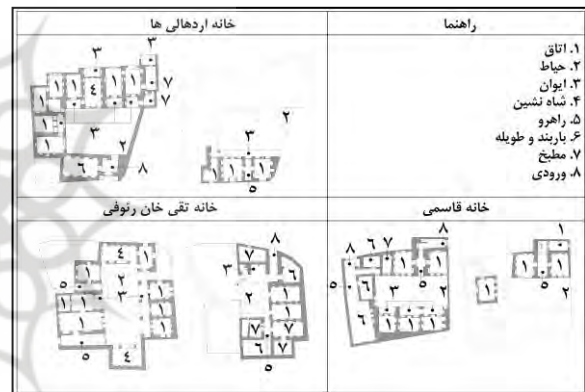
ت ۷. ترکیب ریزفضاها در خانه‌های اعیانی محله بالا.

در الگوی شاه‌نشین- حیاط، بین شاه‌نشین و حیاط حتماً یک ایوان وجود دارد. این ایوان، ستون‌دار است. نکته حائز اهمیت در اتاق‌های این نوع خانه، تنوع در ترکیب اتاق‌ها و اندازه آن‌ها است. برخی اتاق‌ها یک ایوان در فصل مشترک خود با حیاط دارند و بعضی دیگر بی‌واسطه با حیاط مرتبط هستند و درهای چوبی ارتباط بصری حیاط و اتاق را میسر می‌کنند. برخی از اتاق‌ها که بنظر اتاق‌های اصلی خانه هستند، پستو دارند. پستوها به جهت حفظ تناسب اتاق‌ها و افزایش فضای جانبی ساخته شده‌اند. اکثر پستوها بازشوی میانی و

به‌طوری که برخی از ویژگی‌های دو نوع متفاوت از خانه‌های نراق را دارا است (تصویر شماره ۶).



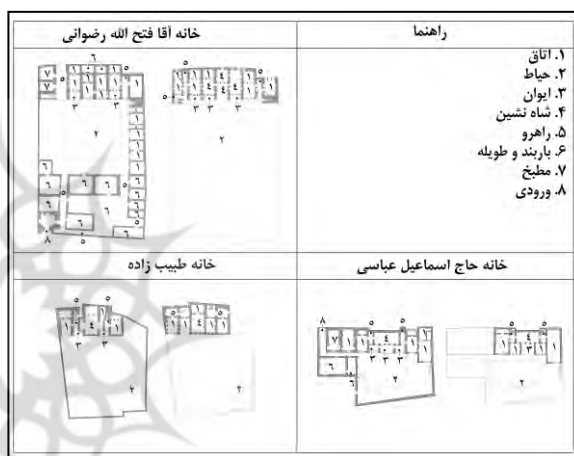
ت ۵. ترکیب ریزفضاها در خانه‌های بومی کوچک واقع در محله پایین



ت ۶. ترکیب ریزفضاها در خانه‌های بزرگ و اعیانی واقع در محله پایین.

در نیمه شرقی نراق و در محدوده محله بالا، الگوی سکونت متفاوتی حاکم است و این تفاوت در گام اول در معابر و گذرها قابل مشاهده است. خانه‌ها در این محدوده به‌تعبیری درون‌گرا هستند و یا در نسبت با خانه‌های محله پایین و بازار، درون‌گراتر بوده و ارتباط کمتری با معابر و گذرها دارند. تمام خانه‌های محله بالا پیرامون یک حیاط مرکزی شکل گرفته و فضاهای معماری در یک تا سه ضلع از حیاط واقع شده‌اند. در میان خانه‌های مطالعه‌شده متعلق به‌تجار و ملاکین واقع در محله بالا، تعداد زیادی از آن‌ها از الگوی سه جبهه‌ای

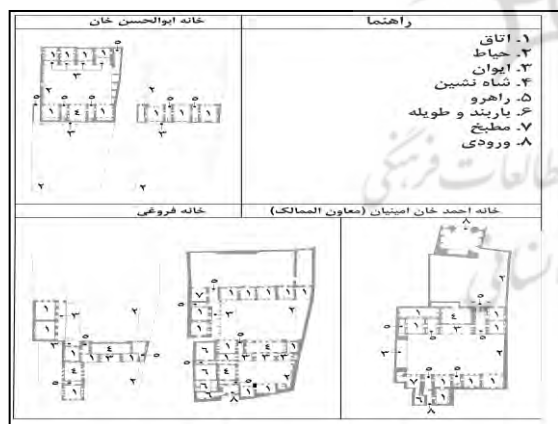
تاقچه یا پنجره‌های کوچکی در تناسبی شبیه به نمای بیرونی اتاق دارند. در این گروه از خانه‌ها، فضاهای خدماتی همانند باربند و طویله و انبار نزدیک به ورودی خانه یا معبر مجاور خانه جای گرفته‌اند و در سازمان فضایی اصلی خانه قرار ندارند بلکه به واسطه فضاهایی ارتباطی همانند راهرو، با خانه مرتبط می‌شوند. در میان خانه‌های محله بالا، نوعی خانه اعیانی وجود دارد که در آن‌ها بخش ساخته شده تنها در یک ضلع از حیاط استقرار یافته است (تصویر شماره ۸).



ت ۸. ترکیب ریزفضاها در خانه‌های محله بالا

در این نوع خانه‌ها، نظام حاکم بر ترکیب ریزفضاها در یک اندام، همانند سایر خانه‌های اعیانی است و بر پایه رابطه شاه‌نشین- راهرو- اتاق سازماندهی شده است. عناصر متفاوت در این خانه‌ها علاوه بر ترکیب کلی رابطه حیاط با بخش ساخته شده، تراسه‌های سنگی درون حیاط است که به نظر می‌رسد برگرفته از الگوی باغ‌های مطبق حاشیه نراق هستند که در یک مقیاس کوچک‌تر و در منطقه مسکونی جای گرفته‌اند. حیاط در این خانه‌ها در حقیقت برشی از یک باغ است و شبیه به حیاط سایر خانه‌ها نیست. وجود صرفاً یک جبهه ساخته شده پیرامون فضای باز در این خانه‌ها، شکل

کلی حیاط را به باغ‌ها نزدیک‌تر می‌کند. در میان خانه‌های طبقه مرفه نراق شامل تجار و ملاکین، نمونه‌های گسترده‌تر و بزرگتر نیز قابل مشاهده است. بارزترین تمایز این خانه‌ها نسبت به سایر نمونه‌ها، وجود دو حیاط است. این خانه‌ها علاوه بر یک حیاط دارای باغچه و کفسازی، یک حیاط دوم شبیه باغ‌های تراسه‌بندی شده و سنگچین دارند. سه نمونه از این خانه‌ها در میان نمونه‌های مطالعاتی شناسایی شده است که عبارتند از خانه‌های ملاعلی فروغی، احمدخان امینان و حاج ابوالحسن خان. سازمان ترکیب ریزفضاها در یک اندام کلی در خانه‌هایی که دارای دو حیاط و یا ترکیبی از دو نوع خانه هستند، شبیه به تمامی گونه‌های اعیانی و رسمی است. تمامی آن‌ها شاه‌نشین دارند و اتاق و راهرو در تناوبی مشخص یکی پس از دیگری کنار هم جای گرفته‌اند تا اندام‌ها یا اضلاع جانبی خانه را شکل دهند. لذا سازماندهی فضا در این دسته از خانه‌های محله بالا بر اساس کنارهم قرارگیری الگوی شاه‌نشین- راهرو- اتاق شکل گرفته است (تصویر شماره ۹).



ت ۹. ترکیب ریزفضاها در خانه‌های مقیاس بزرگ واقع در محله بالا.

بحث: استخراج گونه‌ها

بنا بر الگوی ترکیب فضاها در یک اندام، تمام

شاه‌نشین این خانه‌ها، طرح متفاوتی نسبت به گونه رسمی دارای حیاط مرکزی دارند. این تفاوت در طرح و نقشه شاه‌نشین است. در خانه‌های رسمی دارای حیاط مرکزی، شاه‌نشین‌ها اتاق‌هایی با ابعادی بزرگ‌ترند که شکلی چهارگوش و منظم دارند اما در گونه خطی، شاه‌نشین دارای شکلی چلیپایی است که در قامت شکم‌دریده‌ای کامل یا ناقص در بنا حضور دارد. خانه‌های طیب‌زاده، آقافتح‌اله رضوانی و حاج‌اسماعیل عباسی سه نمونه از گونه رسمی خطی هستند که به سبب ماهیت الگو می‌توان آن را خانه‌باغ نامید. تفاوت حیاط در گونه دارای حیاط مرکزی با گونه دارای بنای خطی یا خانه‌باغ، به کارکرد و اجزای حیاط باز می‌گردد. همچنین گونه دیگری نزدیک به دو گونه توصیف شده بالا نیز وجود دارد که شامل خانه‌هایی می‌شود که دو حیاط متفاوت دارند و شامل شاخه‌های هر دو گونه قبلی می‌شوند. خانه ملاعلی فروغی، خانه احمدخان و رضاخان امینیان و خانه میرزااحمد نراقی چهار نمونه از گونه ترکیبی رسمی هستند. در این خانه‌ها، حیاط اول همانند گونه دارای حیاط مرکزی، فضای بازی با باغچه‌های کوچک است که سه ضلع آن ساخته شده و حیاط دوم، همانند گونه خطی یک باغ میوه تراسه‌بندی شده است. خانه‌های محله پایین و انواع مشابه آن‌ها در محلات دیگر، در یک گونه با نام گونه بومی قابل دسته‌بندی است. این دسته‌بندی به علت خصوصیات اصلی خانه و نحوه ترکیب اجزا و عناصر سازنده آن است. باوجود این، گونه بومی به دو زیرمجموعه خانه‌های منفرد و خانه‌محله‌ها قابل تقسیم‌بندی است. خانه عباس حسین آقاجعفر، خانه سید محمود آهنگر، خانه عباس کمال، خانه کمره‌ای، خانه مرادی و خانه حاج کریم جعفری، ۶ نمونه از خانه‌های بومی کوچک یا منفرد هستند. خانه‌محله‌ها، گونه دیگری از خانه‌های بومی هستند که

خانه‌های محله بالا از الگویی رسمی تبعیت می‌کنند که مبتنی بر ترکیب الگوهای شاه‌نشین- حیاط و شاه‌نشین- راهرو- اتاق است. باوجود این، خانه‌های یادشده براساس تفاوت‌های شکلی که عمدتاً ناشی از شکل فضای باز اصلی (حیاط) و تعداد آن و همچنین شکل یا الگوی فضای بسته یا قسمت ساخته‌شده است، به سه زیرگونه قابل تقسیم‌بندی است که عبارتند از گونه دارای حیاط مرکزی در میان سه جبهه بنا، گونه خطی و گونه ترکیبی.

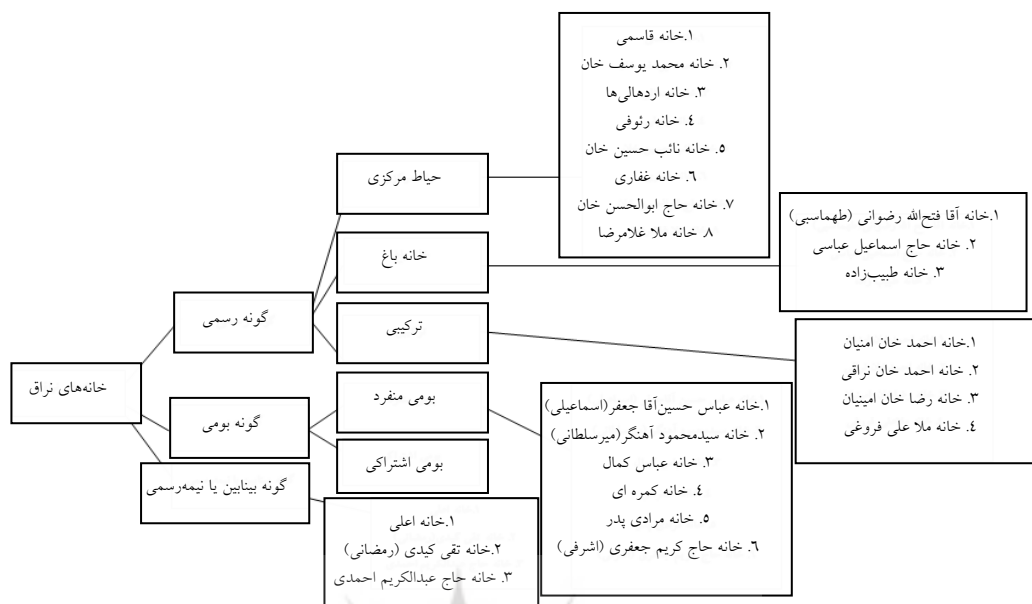
گونه دارای حیاط مرکزی، شامل خانه‌هایی است که غالباً بخش ساخته شده آن‌ها از الگوی سه جبهه‌ای (سه جبهه پیرامون حیاط) تبعیت می‌کند، شاه‌نشین از فضاهای اصلی خانه است و ارتباط شاه‌نشین با حیاط و سایر عناصر، اساس نظام سازماندهی درونی آن‌ها محسوب می‌شود. در گونه خطی، خانه از نظر بخش ساخته شده شباهت زیادی به گونه دارای حیاط مرکزی دارد. تنها تفاوت این گونه از خانه، پیروی بخش ساخته شده از یک الگوی ساده خطی به جای الگوهای ترکیبی سه جبهه‌ای است. البته تفاوت یادشده تنها تفاوت دو گونه بالا نیست و آن‌ها تفاوت بسیار مهم دیگری نیز دارند. تقریباً تمامی خانه‌های با شکل رسمی و ناشی از بکارگرفته شدن الگوهای ترکیبی شاه‌نشین- حیاط و شاه‌نشین- راهرو- اتاق که بخش ساخته شده آن‌ها از شکلی خطی برخوردار است، خانه‌باغ هستند. حیاط این خانه‌ها که در حقیقت یک باغ ولو کوچک است، در برابر بنای اصلی قرار گرفته است. این گونه که یا حاصل ساخت و توسعه واحدهای مسکونی در باغ‌های قدیمی‌تر هستند و یا نتیجه ساخت باغ در بخش‌های مسکونی متأخر، به خانه‌هایی اطلاق می‌شود که در یک جبهه زمین ساخته شده‌اند و حیاط آن‌ها، باغ‌های میوه درون بافت محسوب می‌شوند. در ضمن

به دلیل تعدد مالکین، تغییرات زیادی در آن‌ها ایجاد شده و یا رها شده و در حال تخریب‌اند ولی ساختار آن‌ها قابل تشخیص است، ساختاری که مبتنی است بر مجموعه‌ای از اتاق‌ها که پیرامون یک فضای باز خطی یا چند حیاط کوچک پراکنده هستند. الگوی مشخصی برای تعیین جبهه دو طبقه وجود ندارد و طی بررسی‌های میدانی به نظر می‌رسد در این مورد، منظر طبیعی پیرامون تعیین‌کننده بوده است و تلاش شده تا از طریق بازشوها یا ایوان‌ها و تراس‌ها در طبقه دوم، بهره‌مندی از مناظر طبیعی یادشده به حداکثر برسد. این موضوع در تمام گونه‌های بومی دیگر نیز مشاهده می‌شود. همچنین در گونه رسمی و در مقیاسی دیگر، در نمای داخلی خانه‌ها، عناصر معماری متعددی برای ایجاد دید به مناظر طبیعی بکارگرفته شده است. در میان خانه‌های محله پایین، یک گونه از خانه دیده می‌شود که مطابق با سایر گونه‌های شناسایی شده، نیست. خانه‌های زیرمجموعه این گونه، پیرامون یک حیاط مستطیلی شکل گرفته‌اند و کل ساختار فضای بسته در سه جبهه سازماندهی شده است. مجموعه

اتاق‌ها و ایوان‌ها در ترکیب با هم خانه را شکل داده‌اند و راهروها به عنوان فضاهای ارتباطی در بخش‌های متفاوتی قابل مشاهده هستند. سازمان فضایی این خانه‌ها بر اساس الگوی اتاق-ایوان-حیاط است که با سازمان‌های بررسی شده پیشین تفاوت دارد. نمونه‌های این گونه در محدوده جغرافیایی محله‌های بازار و پایین قرار دارند و درعین حال از نظر سازمان کالبدی فضایی، برخی از اندام‌ها و نظام سازماندهی حاکم بر خانه‌های گونه رسمی دارای حیاط مرکزی را دارا هستند. بنابراین می‌توان این خانه‌ها را در گونه جدیدی تحت نام گونه بینابین یا نیمه رسمی جای داد. به نظر می‌رسد خانه‌های این گونه، نتیجه توسعه الگوی بومی در جهت ساخت نمونه‌های مجلل‌تر از خانه بومی است و از همین رو است که برخی خصوصیات گونه رسمی، اگرچه نه به‌طور کامل، در آن‌ها قابل مشاهده است (نمودار شماره ۱). در نهایت طی بررسی مبتنی بر ترکیب ریزفضاها در یک نظام کلی، سه گونه اصلی و شش زیرگونه در نراق قابل شناسایی است. این گونه‌های اصلی و زیرگونه‌ها و مهم‌ترین خصوصیات آن‌ها در نمودار شماره ۲ دسته‌بندی شده‌اند.



ن ۱. گونه‌های معماری خانه‌های نراق.



ن ۲. دسته بندی خانه های مورد مطالعه در گونه های شناسایی شده.

نتیجه

بومی نسبت نزدیکی با ساختار محله پایین دارد و از نقطه نظر الگو، فنون ساخت و ساز و مصالح یادآور شکل سکونت در هسته اولیه نراق به عنوان یک مزرعه مسکون یا سکونتگاهی روستایی است. در دو گونه بومی و دارای حیاط مرکزی، تأثیر شاخصه محله و تمرکز گونه ها در محدوده یک محله مشاهده می شود. اما در گونه سوم که از نظر اجتماعی، متعلق به طبقه مرفه ساکن در محله پایین است و در دوره توسعه نراق و منطبق با الگوی بومی ساخته شده، نمی توان با اتکا به موقعیت قرارگیری خانه، گونه آن را شناسایی کرد. دلیل این امر نشانه هایی از حضور الگوی حاکم بر خانه های گونه رسمی درون خانه هایی است که در محدوده گونه بومی قرار دارند. لذا در این نمونه ها، الگوها در هم ترکیب شده اند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که ساخت خانه در نراق نه صرفاً متکی به محله بلکه متأثر از طبقه اجتماعی و توان مالی مالک و دوره تاریخی ساخت آن نیز بوده است. زیرا موقعیت نراق در منطقه در دوران رونق بازار و حاکمیت تجار و ملاکین در این بازه

طی بررسی بیست نمونه از خانه های تاریخی نراق و با اتکا بر مطالعه سازمان کالبدی فضایی آن ها، نمونه های منتخب در قالب سه گونه اصلی با عنوان گونه رسمی، گونه بومی و گونه بینابین یا نیمه رسمی قابل دسته بندی هستند. گونه رسمی بر مبنای ترکیب فضای باز و بسته و نوع حیاط، به سه زیر گونه رسمی دارای حیاط مرکزی، رسمی خطی و رسمی ترکیبی قابل تقسیم است. وجه مشترک خانه های گونه رسمی، موقعیت آن ها در یک محله مسکونی (محله بالا) است و تفاوت عمده آن ها، در بکارگیری یا عدم بکارگیری الگوی باغ های تراسه بندی شده پیرامون نراق در درون حیاط می باشد. گونه بومی که بیشترین تراکم آن ها در محله پایین است، از نظر فنون ساخت و مصالح، گونه ای روستایی محسوب شده و بر پایه اتاق و ترکیب آن ها با یکدیگر شکل گرفته است و براساس شکل حیاط ها و طبقه اجتماعی مالک یا مالکین، دو زیرگونه به نام های بومی منفرد و بومی اشتراکی قابل شناسایی است. گونه

زمانی، حتی در گونه معماری بومی آن نیز تأثیر گذاشته است. گونه بینابین را می‌توان به عنوان سند این ادعا در نظر گرفت. در این برهه از زمان است که دوره گذار از گونه بومی به بهره‌گیری گسترده از گونه رسمی شکل می‌گیرد و در نهایت در پایان دوره قاجار در محله بالا، بافتی متراکم و ارزشمند از خانه‌های اعیانی (گونه رسمی) به‌مثابه نشانه‌ای از دوران اوج رونق اقتصادی نراق در منطقه شکل می‌گیرد.

پی‌نوشت

۱. سید مهدی مجابی، طرح راهبردی بافت تاریخی نراق، ص ۵.
۲. همچنین نک: مجابی ۱۳۸۳، ۵.
۳. نک: پرونده ثبت مسجد پایین در فهرست آثار ملی ایران.
۴. مقصود خانه صفوی فاضل نراقی است که در محدوده زمانی مورد بررسی در این مقاله قرار ندارد.

فهرست منابع

- آزاد، میترا؛ سلطانی محمدی، مهدی؛ بلوری بناب، محمد. (۱۳۹۴)، گونه‌شناسی و تحلیل معماری دستکند در نائین، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۱: صص ۹۳-۱۰۶
- حسن پور لمر، سعید. (۱۳۹۲)، گونه‌شناسی خانه‌های سنتی شهرستان تالش نمونه موردی: روستای خاله سرا ۵۷، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۷: صص ۱۱۷-۱۳۱
- خادم‌زاده، محمدحسین؛ معماریان، غلامحسین؛ صلواتی، کامیار. (۱۳۹۶)، گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران، مطالعات معماری ایران، شماره ۱۱: صص ۱۰۳-۱۲۴.
- خاکپور، مژگان؛ انصاری، مجتبی؛ طاهرنیان، علی. (۱۳۸۹)، گونه‌شناسی خانه‌های بافت قدیم شهر رشت، هنرهای زیبا، شماره ۴۱: صص ۲۹-۴۲
- خسروی، محمدرضا. (۱۳۷۵)، نراق در آیین تاریخ، مؤسسه فرهنگی آفرینه، تهران.
- سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۹)، مسکن: معماری مسکن در روستاهای ایران، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۱۹: صص ۱۵-۲.

- شیروانی، زین‌العابدین بن اسکندر. (۱۲۶۳)، بستان السیاحه، نسخه خطی (کتابخانه سنایی)، تهران.

- کلانتر ضرابی، حسین. (۱۳۷۸)، تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، تهران.

- معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۳)، مبانی طراحی معماری، انتشارات نغمه نو اندیش، تهران.

معماریان، غلامحسین و محسن دهقانی تفتی. (۱۳۹۶)، در جستجوی معنایی نو برای مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: خانه گونه تالاردار شهر تفت)، مسکن و محیط روستا. شماره ۱۶۲: صص ۳۸-۲۱.

- جوادی، غلامرضا. (۱۳۷۷)، دلچکان در آیین تاریخ، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.

مجابی، سید مهدی. (۱۳۸۴)، طرح راهبردی بافت تاریخی نراق، شهرداری نراق.

- میراث فرهنگی استان مرکزی. (۱۳۷۹)، پرونده ثبت مسجد پایین به شماره ۳۵۳۴ در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۶.

- Merriam Websters collegiate dictionary. 2007, 11th Edition, An Encyclopedia Britannica company.

- <https://doi.org/10.22034/38.167.115>